گزارش

تاراج «دار و ندار» فوتبال

● به گزارش خبرگزاری تسنیم، پس از ماجرای فسخ قرارداد مارک ویلموتس، خسارت‌های ناشی از این قرارداد و شکایت سرمربی سابق تیم ملی به فیفا برای دریافت غرامت شش میلیون یورویی و البته پس از مدت‌ها سکوت، مهدی تاج به دفاع از این قرارداد پرداخت. رئیس سابق فدراسیون فوتبال گفت: «این‌طور که بقیه درباره پرونده ویلموتس فکر می‌کنند نیست و هنوز می‌گویم قرارداد خوب است». حالا این قرارداد «دار و ندار» فوتبال ایران را به تاراج برده و مدعیان قرارداد خوب، پیدا نیستند که پاسخی به این وضعیت بدهند. دو ماه پس از این صحبت‌های رئیس پیشین فدراسیون فوتبال، دفاع از قرارداد ویلموتس و البته اطمینان‌دادن از پیروزی در فیفا، رأی محکومیت فدراسیون فوتبال صادر شد. فیفا در پرونده ویلموتس فدراسیون فوتبال ایران را به پرداخت شش میلیون و ۱۳۷ هزار و ۵۰۰ یورو و پرداخت پنج درصد جریمه محکوم کرد. تاج در شرایطی که از او سؤال شده بود آیا در صورت محکومیت به عنوان امضاکننده قرارداد مسئولیت را می‌پذیرد و حاضر به پرداخت این مبلغ می‌شود یا نه، گفته بود: «ما هشت میلیون در فیفا داریم که تضمین بدهی‌های ماست». آدرس و اطلاعات غلط‌دادن، بخش جدایی‌ناپذیر از فدراسیون فوتبال شده بود و البته هنوز هم تغییراتی در این ساختار شکل نگرفته است. درست مانند همین ادعا که فدراسیون فوتبال هشت و گاهی ۱۰ میلیون دلار در فیفا پول دارد و همین مبلغ تضمین پرداخت پرونده ویلموتس می‌شود. ابتدا این سؤال مطرح می‌شود که چرا باید کمک‌های فیفا به تمام فدراسیون‌ها که برای روند توسعه فوتبال است، هزینه سوءمدیریت و ندانستن عده‌ای در ایران شود؟ حالا اگر قرار است این پول هزینه قرارداد ویلموتس شود، چرا باید ارقامی غیرواقعی را به مردم بگوییم؟ به گواه اسناد و در زمانی که برخی افراد ادعا می‌کردند فدراسیون فوتبال ۱۰ میلیون دلار از فیفا طلب دارد، مشخص شد که تمام پول فوتبال ایران ۲.۷ میلیون دلار است و سه میلیون دلار هم بودجه برای هزینه‌های عمرانی در حساب فدراسیون وجود دارد. حتی با جمع این دو عدد نیز حساب فدراسیون نزد فیفا ۵.۷ میلیون دلار می‌شد و امروز این مبلغ با کمک‌های سال ۲۰۲۰ (در صورت تصویب ۵۰۰ هزار دلار آن) به ۶.۷ میلیون دلار رسیده که فدراسیون فوتبال فقط از ۳.۷ میلیون آن می‌تواند برای هزینه‌های جاری خود از جمله پرداخت غرامت ویلموتس استفاده کند. هرچند از این مبلغ هم حدود ۲۰۰ هزار دلار آن به کارلوس کی‌روش پرداخت شد که برای پاداش سومی جام ملت‌های ۲۰۱۹ به فیفا شکایت کرده بود و به لطف ندانستن تیم مدیریتی فدراسیون فوتبال، پاداشی برای عنوانی که وجود نداشت به این مربی پرداخت شد و حالا این پول حدود ۳.۵ میلیون دلار است. در این بین، فدراسیون در حال اعاده دادرسی از محکومیت در پرونده مارک ویلموتس است. وکلای جدید فدراسیون شکایت را در CAS دنبال خواهند کرد تا بتوانند بخشی از این غرامت سنگین را کاهش دهند یا حتی آن را به صفر برسانند که موفق‌شدن یا نشدن در این پرونده هم بستگی به خیلی از مسائل، اسناد و اتفاقات پیرامون آن دارد. با این حال با فرض اینکه رأی فیفا تغییر نکند، فدراسیون باید علاوه بر ۳.۵ میلیون دلاری که نزد فیفا دارد، حدود سه میلیون یورو دیگر فراهم کند تا غرامت ویلموتس را بپردازد. این فقط یک بخش ماجرای پرونده مارک ویلموتس است که فدراسیون باید «دار و ندار» خود در فیفا را به این مربی بپردازد. در سمت دیگر این ماجرا، بدهی داخلی فدراسیون فوتبال بابت حضور ناموفق و کوتاه ویلموتس در تیم ملی است. بدهی دو میلیون یورویی به شرکت شستا که بیش از یک سال پیش برای پرداخت بخش اول قرارداد این مربی قرض گرفته شد و فدراسیون فوتبال با چک تعهد ارزی، متعهد شد ۳۱ فروردین ۹۹ این بدهی را پرداخت کند. با عدم پرداخت این پول، شستا ماجرا را به دادگاه برد و فدراسیون فوتبال را محکوم کرد. پس از این محکومیت و با اعلام روابط عمومی شستا هشت میلیارد تومان از این بدهی پرداخت شد و حالا گفته شده این مبلغ به ۱۶ میلیارد تومان رسیده است. مبلغی که معادل یورویی آن محاسبه می‌شود و طبق گفته صفی‌الله فغان‌پور، رئیس کمیته حقوقی فدراسیون فوتبال بیش از ۶۰۰ هزار یوروی آن محاسبه شده است. یعنی فدراسیون هنوز بیش از ۱.۳ میلیون یوروی دیگر باید به شستا بپردازد و خزانه خالی باعث توقیف اموال فدراسیون فوتبال و البته مزایده آن شده است. ساختمان فدراسیون فوتبال از سوی شستا توقیف شده و دو شب گذشته خبر رسید ساختمان باشگاه پرسپولیس هم که سند آن به نام فدراسیون فوتبال بوده، جزء اموال توقیفی است. یعنی فدراسیون فوتبال در بدهی داخلی پرونده ویلموتس هم «دار و ندار» خود را باید بدهد تا شاید غرامت یک سوءمدیریت پرداخت شود. وضعیت فوتبال ایران به‌هیچ‌وجه خوب نیست. فدراسیون فوتبالی که ورشکسته است و طبق تخمین‌ها، رئیس جدید حداقل باید با بدهی ۵۰۰ میلیاردی کار خود را آغاز کند. در این شرایط، برخی مدیران کنونی که عملکردشان روشن است، مشخص نیست به پشتوانه کدام کارنامه موفق همچنان قصد حضور در انتخابات را دارند و می‌گویند با قدرت در انتخابات ثبت‌نام خواهند کرد. حالا سؤال این است که در چنین شرایطی هیئت‌رئیسه و مدیران وقت فدراسیون فوتبال در زمان عقد و فسخ قرارداد مارک ویلموتس، چگونه به‌راحتی به کار خود ادامه می‌دهند؟ اگر مجمع فدراسیون فوتبال در خواب است، چرا نهادهای نظارتی تا این حد بی‌تفاوت به موضوع هستند؟

علی دایی سوختنی نیست

عکس: وحید خدادادی، آنا

فدراسیون فوتبال ایران روزهایی بحرانی را تجربه می‌کند؛ این بحران که پیش از این فقط می‌توانست ورشکستگی به‌دلیل بستن قرارداد عجیب و غریب با مارک ویلموتس بلژیکی باشد، حالا جایش را به سوژه دیگری هم داده و قرار است ساختمان این نهاد در مزایده به فروش برسد؛ اگرچه این مزایده به عقب افتاده تا مشکلات فدراسیون با شستا حل‌وفصل شود، ولی مدرکی در دست نیست که نشان دهد مسئولان کنونی فدراسیون توانایی تأمین بدهی به شستا را داشته باشند و دوباره اگر دولت به داد این ساختمان نرسد، احتمالا باید شاهد فروشش بود. در این بین حیدر بهاروند، سرپرست کنونی سازمان لیگ هم بعد از مدت‌ها سکوتش را شکسته و آنهایی را که از فدراسیون انتقاد کرده‌اند، به بی‌دانشی متهم کرده و دست آخر هم خط‌ونشان کشیده که «احدی حق انتقاد از اعضای مجمع را ندارد». چه بهاروند و دوستانش در فدراسیون خوششان بیاید چه نه، آنها با کم‌دانشی در مدیریت فوتبال، این نهاد را به سمتی برده‌اند که دیگر امیدی به نجاتش نیست، مگر با ورود چهره‌های جدیدتر و البته توانا.

فارغ از اینکه در این چند سال اسامی مختلفی برای ریاست بر فدراسیون فوتبال ذکر شده، همواره از علی دایی، کاپیتان سابق تیم ملی ایران، به‌عنوان یکی از گزینه‌های جدی ریاست بر این فدراسیون نام برده شده است. دایی اگرچه هر بار این موضوع را رد می‌کند، ولی به‌صورت مکرر، هر زمان که به انتخابات فدراسیون فوتبال نزدیک می‌شویم، نامش مطرح می‌شود؛ او البته به‌دلیل بندهای عجیب و غریب تکمیلی که در اساسنامه قبلی فدراسیون فوتبال گنجانده شده بود، توانایی شرکت در این انتخابات را نداشت؛ اما حالا با اصلاح اساسنامه، نه‌تنها علی دایی بلکه چند چهره ورزشی دیگر هم فرصت این را دارند تا در انتخابات شرکت کنند. حالا که قرار است ۱۰ اسفند دوباره انتخابات فدراسیون فوتبال برگزار شود، نام علی دایی مطرح و شایعه شده که او قرار است برای انتخابات فدراسیون فوتبال شرکت کند؛ اما دایی همین روز گذشته و در گفت‌وگویی که با میزان داشته این موضوع را برای بار چندم رد کرده است. «از طرف بزرگان فوتبال آسیا در خارج از ایران و همچنین بزرگان فوتبال در داخل ایران با من صحبت شد که در انتخابات فدراسیون فوتبال شرکت کنم و برنامه‌های خود را هم به فدراسیون بدهم، اما هرگز حاضر به حضور در چنین انتخاباتی نیستم و به‌هیچ‌عنوان قبول نمی‌کنم در انتخابات شرکت کنم. من به درد ریاست فدراسیون فوتبال نمی‌خورم».

اتفاقا اگر کسی از بین چهره‌های ورزشی به درد ریاست فدراسیون فوتبال بخورد همین علی دایی است؛ تأثیر پررنگ علی دایی در عرصه بین‌المللی و نفوذش در فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا می‌تواند فدراسیون به قهقهرا نزدیک‌شده فوتبال ایران را به یکی از بهترین فدراسیون‌های آسیا تبدیل کند؛ به‌ویژه اینکه علی دایی با روابط اقتصادی مهمی که دارد می‌تواند بحران بی‌پولی را یک بار برای همیشه از سر فدراسیون فوتبال بردارد.

البته علی دایی باهوش‌تر از آن است که اسیر چنین اتفاقی شود؛ او هر آن که اراده کند می‌تواند رئیس فدراسیون فوتبال ایران شود، به شرط آنکه فضا برای رقابت سالم مهیا باشد. دایی به‌خوبی می‌داند جریانی قوی علیه او در فوتبال کشور به راه افتاده که دستش از رسیدن به صندلی سرمربیگری در تیم‌های مختلف را هم کوتاه کرده است، چه برسد به آنکه بخواهد اجازه فعالیت دایی در سطحی بالاتر را دهد. علی دایی همین چند وقت پیش تأیید کرد که مهدی تاج برای انتخاب او به‌عنوان سرمربی دو بار مذاکره مستقیم داشته، ولی یکباره غیب شده و دیگر سراغش نیامده است. برای پیداکردن علتش نیاز به جست‌وجوی زیادی نیست؛ چراکه بسیاری ماجرای محرومیت علی دایی از فوتبال در ایران را می‌دانند. پیش‌تر البته «شرق» در گزارشی تحت عنوان «چرا علی دایی نباید رئیس شود»، به سختی‌های پیش‌روی شهریار فوتبال ایران در این مسیر اشاره کرده است و اصرار برای رئیس‌شدن دایی و انکار از سوی او دیگر مورد چندان پیچیده‌ای نیست.

واقعیت این است که علی دایی این روزها پیشنهادهای خارجی‌اش را سبک‌سنگین می‌کند و به احتمال زیاد اگر با اورتون به توافق برسد، راهی انگلیس می‌شود تا از فضای فوتبال ایران فاصله بگیرد؛ البته دایی نشان داده به‌سختی تصمیم به انجام کارهای متفاوت می‌گیرد و باید پیشنهاد اورتون به او آن‌قدری جذاب و مهیج باشد که دایی را راغب به سفر انگلیس کند. تا آن زمان اما بعید است او خودش را به مهره‌ای سوخته در فوتبال بی‌قاعده ایران تبدیل کند. دایی به‌خوبی می‌داند حتی اگر به‌عنوان رئیس فدراسیون فوتبال ایران هم در این برهه انتخاب شود، باز آن‌قدر موانع بر سر راهش وجود دارد که ممکن است تصویر چندان درخشانی از او در آینده باقی نگذارد. فارغ از اینکه او اصلا تمایلی به نشستن روی صندلی ریاست فدراسیون فوتبال ندارد، به نظر می‌رسد ریاست این مجموعه برای او کوچک است! دایی یکی از برجسته‌ترین چهره‌های فوتبالی ایران در دنیاست و هنوز هم بسیاری، فوتبال ایران را با نام علی دایی می‌شناسند. رابطه‌اش با فدراسیون کشورهای عربی آن‌قدر خوب است که اگر بخواهد به‌راحتی می‌تواند برای ریاست کنفدراسیون فوتبال آسیا هم اقدام کند. از طرفی او ارتباط‌هایی بسیار قوی در فیفا دارد که در پست‌های مدیریتی (باز هم اگر بخواهد) این نهاد بین‌المللی هم می‌تواند به‌راحتی مشغول شود. حالا برای کسی که می‌تواند رئیس AFC شود، آیا صندلی ریاست فدراسیون فوتبال ایران وسوسه‌کننده است؟

نسخه‌ای برای پیشرفت بیشتر

بسکتبال زنان در پی استفاده از بازیکنان دوملیتی

شرق: تیم ملی بسکتبال سه‌نفره زنان در حالی یکی از شانس‌های کسب سهمیه بازی‌های المپیک توکیو است که در فاصله چهار ماه مانده به رقابت‌های انتخابی، هنوز نتوانسته اردوهای خود را برگزار کند. تا پیش از این مسئولان فدراسیون بسکتبال دلیل برگزارنشدن اردوها را شیوع گسترده ویروس کرونا و شرایط بحرانی کشور اعلام می‌کردند؛ اما اکنون در شرایطی که پایتخت و سایر شهرها از وضعیت قرمز بیرون آمده‌اند، مسابقات لیگ باشگاه‌های کشور، جلوی پای آسمان‌خراش‌های ایرانی سنگ انداخته است. طبق برنامه‌ای که نیکا بیک لیک لی، سرمربی این تیم، به فدراسیون داده بود، قرار این بود که اواخر آبان یا اوایل آذر اردوهای تیم سه‌نفره تشکیل شود؛ اما تاکنون نه‌تنها اردویی شکل نگرفته، بلکه زمان قطعی آن هم مشخص نیست. این در حالی است که بانوان بسکتبالیست برای شرکت در پیکارهای انتخابی المپیک کار بسیار دشواری پیش‌رو دارند و در یک بازه زمانی یک ماه باید در دو رویداد مهم اتریش و مجارستان به میدان بروند.

سرمربی تیم ملی بسکتبال سه‌نفره که خود در رقابت‌های لیگ روی نیمکت مربیگری تیم مهرام می‌نشیند، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «با توجه به اینکه رقابت‌های لیگ یک هفته در میان برگزار می‌شود، نمی‌توانیم اردوی تیم را تشکیل بدهیم. به‌هرحال تیم‌ها هزینه کرده‌اند و می‌خواهند بازیکنانشان را در اختیار داشته باشند. اینکه ما بخواهیم در هفته‌هایی که مسابقه نیست، اردو داشته باشیم، به ضرر تیم‌ها تمام می‌شود. چاره‌ای نیست جز اینکه ما با باشگاه‌ها همکاری کنیم. فکر می‌کنم حدودا در یک ماه آینده، بعد از بازی‌های پلی‌آف تیم را تشکیل بدهیم. درست است که هنوز برگزار نشده اما همین مسابقات لیگ به ما کمک کرد تا بعد از مدت‌ها که همه‌چیز به‌خاطر کرونا تعطیل بود، بتوانیم به شناخت بهتری از بازیکنان و انتخاب ملی‌پوشان برسیم. خوشبختانه باید بگویم که لیگ پویایی داریم و برخی بچه‌ها در حال درخشش هستند. امیدوارم فدراسیون بسکتبال نهایت همکاری را با ما داشته باشد تا بتوانیم تعداد نفرات بیشتری را به اردوی تیم ملی دعوت کنیم».

تیم ملی بسکتبال سه‌نفره زنان سه سال پیش زمانی که وارد عرصه رقابت‌های بین‌المللی شد، جایگاه چهاردهم دنیا را از آن خود کرد؛ اما مدتی بعد با حضور در تورنمنت‌های دیگر، این جایگاه را ارتقا داد و ششم شد. همین اتفاق و صعود غیرمنتظره باعث شد این زنان زودتر از آن که فکرش را بکنند، در مسیر المپیک قرار بگیرند؛ آن‌هم در اولین دوره‌ای که کمیته بین‌المللی المپیک بسکتبال سه‌نفره را به جمع رشته‌های بزرگ‌ترین رویداد ورزشی دنیا اضافه کرده است.

بر اساس قوانین فدراسیون جهانی بسکتبال (فیبا)، هشت تیم جواز شرکت در المپیک ۲۰۲۰ توکیو را می‌گیرند که چهار تیم به‌طور مستقیم از طریق رده‌بندی جهانی سهمیه این بازی‌ها را به دست می‌آورند. اگر قدری شانس با ملی‌پوشان کشورمان یار بود و می‌توانستند تا رده چهارمی پیش بیایند، آنها نیز مسافر توکیو شده بودند. تکلیف چهار تیم باقی‌مانده قرار است از درون دو رقابت انتخابی اتریش و مجارستان مشخص شود. بر این اساس ۲۰ تیم می‌توانند در این دو مسابقه حاضر شوند که ایران نیز جزء آنهاست. اولین انتخابی مسابقه اتریش است که اردیبهشت‌ماه برگزار می‌شود و شاگردان نیکا بیک لیک لی در گروه B باید به مصاف تیم‌های ژاپن، اوکراین، ترکمنستان و استرالیا بروند؛ تیم‌های صاحب‌نامی که به‌مراتب از تجربه و سابقه بیشتری نسبت به نماینده ایران برخوردار هستند. از این مسابقات سه تیم اول جواز صعود به توکیو را می‌گیرند.

نیکا دراین‌باره توضیح می‌دهد: «همان‌طورکه از نام هم‌گروه‌های ما پیداست، باید بگویم کار سختی داریم. همه این تیم‌ها مدعی هستند. تجربه بازی با استرالیا، ترکمنستان و ژاپن را داریم که تنها یک بار توانستیم ترکمنستان را شکست بدهیم. ما با یک اختلاف بسیار کم به مغولستان باختیم و شانس کسب سهمیه را از طریق رنکینگ از دست دادیم. همه اینها به‌خاطر کم‌تجربگی بچه‌های ما بود. اگر شرایط برایمان مهیا بود و مشکلات مالی نداشتیم و می‌توانستیم در تورنمنت‌های مختلف شرکت کنیم، قطعا شرایط بهتری داشتیم. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم بسکتبال زنان ایران تازه در ابتدای راه است و سه سال بیشتر از حضور رسمی آن در میادین بین‌المللی نمی‌گذرد. بااین‌حال به‌دنبال این هستیم که از تمام ظرفیتی که داریم استفاده کنیم تا ان‌شاءالله به سهمیه المپیک برسیم. یکی از این ظرفیت‌ها استفاده از بازیکنان دوملیتی است. در این چند وقت اخیر چند بازیکن روس و اوکراینی به ایران آمده‌اند که شناسنامه و پاسپورت ایرانی دارند. آنها مسلمان شده‌اند و در اینجا ازدواج کرده‌اند. این نفرات درحال‌حاضر در رقابت لیگ بازی می‌کنند. اگر ما هم بتوانیم از این بازیکنان در ترکیب تیم ملی استفاده کنیم، شانسمان برای کسب سهمیه در مسابقات انتخابی بالا می‌رود. فیزیک این بسکتبالیست‌های روس و اوکراینی به درد ما می‌خورد. مهران شاهین‌طبع، سرمربی تیم ملی مردان هم الان دارد از ظرفیت بازیکنانی مثل آرون گرامی‌پور و مایک رستم‌پور استفاده می‌کند. اگر بتوانیم از بازیکنان دوملیتی در تیم ملی استفاده کنیم، برای اولین‌بار خواهد بود که در تیم ملی بسکتبال زنان چنین اتفاقی رخ می‌دهد».

دومین فرصت تیم ملی بسکتبال سه‌نفره بانوان برای کسب سهمیه شرکت در انتخابی مجارستان است که خرداد ۱۴۰۰ برگزار می‌شود. شرط المپیکی‌شدن در این مسابقات فقط تصاحب جایگاه نخست رقابت‌هاست.

بیک لیک لی ادامه می‌دهد: «فدراسیون جهانی بسکتبال مسابقات مجارستان را برای تیم‌هایی که تابه‌حال تجربه حضور در المپیک را نداشته‌اند، مهیا کرده است. خوشبختانه ایران هم جزء این تیم‌هاست و این شانس را دارد که اگر در اتریش نتوانست به سهمیه برسد، باز هم شانسش را امتحان کند. امیدوارم فدراسیون بسکتبال ترتیبی بدهد که ما بتوانیم در این فاصله باقی‌مانده در چند تورنمنت تدارکاتی شرکت کنیم، هرچند گرفتن ویزا برای کشور ما خیلی سخت است. اگر هم این اتفاق نیفتد، سعی می‌کنیم با استفاده از نیروهای داخلی مسابقات را به‌صورت چندجانبه برگزار کنیم. به‌هرحال با آمدن کرونا همه‌چیز به هم ریخت و ما زمان زیادی را از دست دادیم. البته که کرونا شرایط همه کشورها را تحت تأثیر قرار داده، باز جای شکرش باقی است که بسکتبال در کشور ما نخوابیده است و در همین شرایط هم توانستیم لیگ را برگزار کنیم. در همه‌جای دنیا هر کشوری که لیگ پویا و منظمی داشته باشد، تیم ملی خوبی هم دارد. خدا را شکر لیگ بسکتبال زنان هم همیشه جزء بهترین رقابت‌های باشگاه‌های تیمی در کشور بوده است».

از مجموع هشت دوره‌ای که ورزش زنان ایران در بازی‌های المپیک شرکت کرده، به جز یک دوره، تمام سهمیه‌هایی که المپین‌ها به دست آورده‌اند، در بخش رقابت‌های «انفرادی» بوده است. المپیک ۱۹۷۶ مونترال تنها دوره‌ای است که ایران توانست سهمیه بخش تیمی این بازی‌ها را به دست آورد. تیم ملی شمشیربازی اسلحه فلوره نماینده کشورمان در این بازی‌ها بود؛ تیمی که فاتح بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران شده بود و مسئولان سازمان تربیت بدنی وقت را مجاب کرد تا آنها را به المپیک اعزام کنند. اگر تیم ملی بسکتبال سه‌نفره زنان سهمیه المپیک ۲۰۲۰ توکیو را به دست آورد، بی‌شک یکی از مهم‌ترین اتفاقات در ورزش زنان ایران رقم خورده است.

فوتبال

چرا آمار ۵۰۰ بازی جلال حسینی در لیگ برتر اشتباه است؟

● در روزهای اخیر آماری در فضای مجازی منتشر شد که بر این اساس تعداد بازی جلال حسینی در لیگ برتر به عدد ۵۰۰ رسید. این آمار در بسیاری از رسانه‌ها بازنشر داده شد ولی آیا این آمار صحیح است؟ طبق بانک اطلاعاتی که از تاریخ لیگ برتر بر اساس بازبینی فیلم تمام بازی‌های ادوار رقابت‌ها تهیه شده، تعداد بازی‌های جلال حسینی در لیگ ۴۵۲ است و آمار ۵۰۰ بازی، آماری کاملا اشتباه است.

همان‌طورکه گفته شد، بر اساس بررسی مدارک تاریخی لیگ برتر، تعداد بازی پرافتخارترین بازیکن تاریخ این مسابقات ۴۵۲ است ولی برای رد ادعای ۵۰۰ بازی چندان لازم نیست که به بایگانی اسناد مراجعه کرد و با مرور کلی سابقه این بازیکن و تنها مراجعه به آمار یکی، دو فصل اخیر می‌توان در ۵۰۰ بازی جلال حسینی تردید کرد. جلال حسینی اگر از اولین دوره لیگ تا به امروز در تمام بازی‌های لیگ به میدان می‌رفت، ۵۸۸ بازی (تعداد هفته‌ای که از آغاز لیگ برتر مسابقات برگزار شده با احتساب دو بازی معوقه پرسپولیس) انجام داده بود. این بازیکن از دوره اول لیگ حضور داشته ولی در دو فصل غایب بوده است. این بازیکن در لیگ سوم به‌همراه ملوان به لیگ یک رفت و در لیگ چهاردهم برای ادامه فوتبال کشور قطر را انتخاب کرد و در مجموع ۵۶ بازی را از دست داد تا سقف تعداد بازی این بازیکن ۵۳۲ شود.

جلال حسینی در دوره قبلی به‌خاطر تراکم بازیکن در خط دفاعی پرسپولیس و لیگ هفدهم به علت مصدومیت، بازی‌های زیادی را از دست داد. پیداکردن تعداد بازی جلال حسینی در این دو دوره از طریق جست‌وجوی اینترنتی میسر است و کاپیتان پرسپولیس مجموعا در ۳۸ بازی از ۶۰ بازی ممکن به میدان رفت تا حداکثر تعداد بازی این بازیکن ۵۱۰ بازی شود. پذیرش اینکه یک مدافع که ریسک بالایی برای مخروبیت و مصدومیت دارد فقط ۱۰ بازی از ۵۱۰ بازی ممکن را از دست داده باشد (دو درصد بازی‌ها) سخت است. ذکر این نکته ضروری است که جلال حسینی در دوره اول لیگ، جوانی ۲۰ ساله بوده و جایی در ترکیب اصلی ملوان نداشته و به‌ندرت بازی کرده است.

مهدی رحمتی، رکورددار بیشترین تعداد بازی در تاریخ لیگ برتر است و جلال حسینی در حال رسیدن به این رکورد، ولی تعداد بازی مهدی رحمتی کمتر از ۵۰۰ بازی است. منابعی که آمار ۵۰۰ بازی جلال حسینی را منتشر کرده‌اند، اشاره نکرده‌اند که این بازیکن رکورددار بیشترین تعداد بازی در تاریخ لیگ برتر است و با فرض ۵۰۰ بازی جلال حسینی باید دید چه آمار عجیبی برای بازی رحمتی در نظر گرفته‌اند.

نمره قبولی برای استقلال در خارج از خانه

● تیم فوتبال استقلال با عملکردی مطلوب در سه بازی پیاپی خارج از خانه توانست در پایان هفته نهم با یک بازی کمتر از سایر تیم‌ها به صدر جدول برسد. به گزارش مهر، آبی‌ها ابتدا در دیداری که ۲۳ آذر در مشهد برگزار شد، با دو گل موفق به شکست‌دادن شهرخودرو شدند و پنج روز بعد در اصفهان به میدان رفتند که در بازی دشوار مقابل ذوب‌آهن متوقف شدند. شاگردان فکری سپس در روز دهم دی در سیرجان به مصاف گل‌گهر رفتند که این دیدار جذاب و تماشایی در پایان با برتری ۲ بر یک آبی‌پوشان به پایان رسید تا استقلالی‌ها با هفت امتیاز از سه بازی خارج از خانه، دستاورد خوبی داشته باشند و موفق به صعود به صدر جدول شوند.

برنامه یکشنبه ۱۴ دی

نیوکاسل - لسترسیتی ۱۷:۴۵
چلسی - منچسترسیتی ۲۰:۰۰
آلاوس - اتلتیکومادرید ۱۸:۴۵
اوئسکا - بارسلونا ۲۳:۳۰
دورتموند - ولفسبورگ ۱۸:۰۰
بایرن‌مونیخ - ماینتس ۲۰:۳۰
جنوا - لاتزیو ۱۷:۳۰
بنونتو - میلان ۲۰:۳۰
یوونتوس - اودینزه ۲۳:۱۵
ماریتیمو - بواویستا ۱۸:۳۰

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم فاطمه شهابی قهفرخی به وکالت از طرف خانم رامش شهابی قهفرخی بموجب وکالتنامه ۶۴۸۲۳ مورخ ۹۹/۹/۲۴ با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضا شده ذیل شماره ۳۹۵۵ مورخ ۹۹/۹/۲۳ دفتر خانه ۱۵۵۶ تهران طی درخواست وارده ۲۳۱۳۷ مورخ ۹۹/۹/۲۴ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:۱- نام و نام خانوادگی :۱-نام و نام خانوادگی :خانم رامش شهابی قهفرخی مالک ۲- شماره پلاک :۳۴۲۸/۷ واقع در بخش پنج تهران ۳- علت گم شدن : اسباب کشی ۴- خلاصه وضعیت مالکیت :سند مالکیت ۴ دانگ مشاع از شش دانگ یک دستگاه آپارتمان قطعه سوم بمساحت ۵۲/۳۴ متر مربع که مقدار ۰/۹۹ متر مربع آن بالکن است بانضمام انباری زیر پله قطعه چهارم به مساحت ۱۰/۰۶متر مربع واقع در همکف بانضمام پارکینگ مسکونی قطعه دوم بمساحت ۱۱ متر مربع واقع در همکف با قدر السهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و ایین نامه اجرایی آن بشماره ۷ فرعی از ۳۴۲۸ اصلی مفروز از اصلی مذکور واقع در بخش ۵ تهران ذیل ثبت ۱۰۲۱۱۷ صفحه ۳۰۵ دفتر جلد ۳۵۹ املاک بشماره چاپی ۰۷۶۴۲۰ بنام خانم رامش شهابی قهفرخی ثبت و صادر و تسلیم شده است بگواهی دفتر بازداشتی ملک مذکور بازداشت ندارد . لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت اولیه ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سندمالکیت نزدخود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد .

م الف ۱۶۳۸۸ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک مولوی تهران